

نقش خانواده ها در شکل گیری سبک زندگی اسلامی

زیر بنای هر ارتباط سالمی خانواده صالح است. متأسفانه آن صمیمیت و استحکامی در خانواده‌های سنتی جامعه وجود داشت به دلیل ورود و رسوخ فرهنگ غربی و مادی گرایی دیگر وجود ندارد. خوشبختانه به مرز و توانی از پیشرفت و تعالی رسیدیم که باید در زمینه‌های علمی و اقتصادی کشور به شیوه‌های زندگی به تمدن غنی ایران اسلامی، توجه کنیم.

جمهوری اسلامی ایران توان رسیدن به قله‌های پیشرفت را در کنار توجه به نقش زندگی خانواده‌ها داراست. ایران اسلامی مانند فرهنگ منحط غربی نیست که خانواده و شیوه رشد و تعالی زندگی در آن معنا و مفهوم نداشته باشد. با توجه به نگاه ریزبینانه رهبر معظم انقلاب اسلامی به "سبک زندگی"، سبک و فرهنگ زندگی قسمت عمده‌ای از زندگی افراد جامعه را تشکیل می‌دهد و توجه به خانواده و موضوعات اجتماعی پیرامون آن از مواردی است که باید توجه ویژه‌ای به آن داشت. فرهنگ تجمل گرایی و مصرف گرایی که این روزها بین مردم کلانشهرها باب شده است، برگرفته از تعاریف نظام مادی گرای غربی زمینه را برای تضعیف ریشه‌های بنیان خانواده، افزایش طلاق و به وجود آمدن فساد را فراهم می‌کند.

سبک زندگی، ترکیبی از صورت (سبک) و معنا (زندگی) است. رفتاری برآمده از باورها و پسندها و مبتنی بر دیدگاهی مصرح و آگاهانه یا غیرمصرح و نیمه خودآگاه در فلسفه حیات است.

هر مدل زندگی منشا و قانون زندگی نیست

وقتی شخص زندگی خاصی را آرزو می‌کند یا زندگی خاصی را به مسخره می‌گیرد و به شدت نقد می‌کند، می‌گوید "زندگی یعنی این!"، "خوش به حال فلانی!" و این، نشان دهنده نظام ارزشی او است، و در انتخاب سبک زندگی بسیار تأثیرگذار است. سبک زندگی را نمی‌توان از باورها و ارزش‌ها بریده دانست. ظواهر زندگی حاصل آن باورها و پسندها است.

مجموعه عناصر زندگی وقتی به سبک زندگی تبدیل می‌شوند که به حد نصاب انسجام و همبستگی رسیده و همخوانی و تناسب داشته باشند. سبک زندگی زمانی ایجاد می‌شود که مثلاً نظام ارتباطی باید با نظام معیشتی، نظام اعتقادی، نظام فرهنگی و نظام مصرف تناسب داشته باشد. این تناسب باید مقداری پایدار بماند. انسجام موقتی که تحت تأثیر جو اجتماعی خیلی زود از بین رود سبک زندگی را پدید نمی‌آورد. مثلاً نوجوانی که هنوز شاکله هویت فکری، فرهنگی، اجتماعی اش کامل نشده و به درستی شکل نگرفته و رفتارهای متنوعی دارد، دارای سبک زندگی

نمی‌باشد.

مجموعه‌ای در هم از چندین نوع منطق و مدل، سبک زندگی نیست و در پدید آمدن سبک زندگی اکثر عناصر، اختیاری است، اگر فردی در یک اردوگاه کار اجباری یا در اسارت و تحت فشار بیرونی، مجبور به رفتار بر اساس نوع خاصی از زیستن شود، سبک زندگی ندارد. سبک زندگی باید انتخاب شود و شخص فعالانه در تعریف و چینش و معماری آن بر اساس نظام اعتقادی و ارزش‌های مشارکت داشته باشد.

سبک زندگی نوعی طراحی است که می‌توان آن را نقد کرد و می‌توان آن را درانداخت. گرچه شرایط اجتماعی ممکن است تغییر و تحول در سبک زندگی را بسیار دشوار گرداند. جز در دوران کودکی که هنوز شخصیت فرد شکل نگرفته است، نمی‌توان انسانی را بدون آداب یا سبک زندگی تصور کرد. در حقیقت، هیچ کس بی‌ادب نیست؛ همان گونه که بی‌تربیت، بی‌فرهنگ و بی‌شخصیت نیست؛ حتی اگر انسان تحت تأدیب صحیح قرار نگیرد بی‌ادب نمی‌شود؛ بد ادب، بد تربیت و بد شخصیت می‌شود. ما اگر شکل خاصی از زندگی را با اراده و اختیار خود انتخاب نکنیم ناخودآگاه در قالب‌های تعیین یافته محیط و جامعه قرار می‌گیریم.

سبک زندگی به نوعی از هویت اجتماعی ختم می‌شود. کارشناسان با بیان اینکه سبک زندگی برای افراد شخصیت می‌سازد؛ یعنی فرد کلاس هویتی خود را با نوع ارتباطات، نوع شغل، سبب مصرفی و سایر ظواهر انتخابی خود، معرفی می‌کند. در سبک زندگی نظام ارزشی انسان‌ها شکل می‌گیرد. فرد بر اساس سبک زندگی (یعنی چیزی که می‌خورد و می‌پوشد، جایی که زندگی می‌کند، ماشینی که سوار می‌شود و کسانی که حشر و نشر دارد و...) آرام آرام به رفتارهایی عادت می‌کند و از درون شکل می‌گیرد. این موضوع باعث می‌شود که نظام ارزشی خاصی نیز برایش درونی شود. در سطح کلان اجتماعی، سبک زندگی همگرایی و واگرایی پدید می‌آورد. کسانی که سال‌ها مانند هم زیسته‌اند آرام آرام مانند هم فکر می‌کنند و حساسیت‌ها و علاقه‌هایی مشترک خواهند داشت. این همگرایی از پیش تعریف نشده، به موضع‌گیری‌ها و قضاوت‌های اجتماعی فرهنگی و اخلاقی یکسان خواهد رسید و یک قطب هم‌نوا یا قدرت اجتماعی پنهان تشکیل خواهد داد.

قم باید الگوی سبک زندگی اسلامی کشور باشد

ایران اسلامی به دلیل جایگاه ممتاز دینی و فرهنگی که دارد باید الگوسازی برای سبک زندگی کشورهای اسلامی را برعهده بگیرد. این گونه مکان‌ها محیط‌هایی ترغیبی برای محاوره‌های غنی (علمی - فرهنگی - اجتماعی - سیاسی و غیره) فراهم می‌کنند که منجر به مبادله ایده‌های نو شده و در حوزه‌های متنوعی همانند خانواده، کار، علم، اقتصاد و سیاست تاثیر شگرفی ایجاد می‌شود.

باید سبک زندگی اسلامی خود را تعریف و در مکان‌های مختلف ارائه دهیم، نمایشگاه‌ها، کنفرانس‌ها، همایش‌ها و مواردی از این دست مثال‌هایی از رویدادهای بزرگ شهری به عنوان محرکه نوآوری هستند این رویداد فرصتی را برای بسیاری از کشورها جهت ارائه و به اشتراک گذاری موقعیت‌های علمی و فرهنگی فراهم می‌سازد.

کتابخانه‌های بزرگ نه تنها موفقیت‌های فکری نسل‌های گذشته را به صورت آرشیو نگهداری می‌کنند بلکه می‌توانند به عنوان یک فضا برای نوآوری عمل کنند کتابخانه قدیمی اسکندریه برای هزاران سال به عنوان مهم‌ترین مرکز یادگیری جهان غرب شناخته شده است. موزه‌های بزرگ همانند کتابخانه‌ها نه تنها موفقیت‌های گذشته را نشان می‌دهند بلکه همچنین به عنوان میزبانان و تقویت کنندگان نوآوری و زمینه‌های مختلف هنری و سایر حوزه‌ها عمل می‌کنند.

ورودی‌های حقیقی مانند فرودگاه‌ها، بنادر و دروازه‌ها فرصت جریان آزاد دانش، ایده، دیدگاه‌های مختلف، و نوآوری و نوع سبک معماری در شهر را ممکن می‌سازند باید گفته شود که دروازه الزاما یک موجودیت فیزیکی نیست. بلکه پورتال مجازی شهری نیز یک دروازه محسوب می‌شود که اتصال و دسترسی تمامی شهروندان را فراهم می‌سازد.

از آنجائی که جوانان انرژی و انگیزه فراوان جهت حرکت به آینده دارند و افرادی که بیشترین سهم را در آینده جامعه دارند جوانان هستند، از سویی دیگر این افراد جوان بیش از همه به آینده نزدیکند. لذا با تربیت مناسب این قشر در حوزه زندگی و ترسیم چشم انداز، زمینه را برای تحقق آینده فراهم می‌کنیم.

احیای صله رحم می‌تواند به ترویج سبک زندگی ایرانی اسلامی کمک کند

کوچک‌ترین نهاد اجتماعی در هر طبقه‌ای خانواده است که نقش سبز و پر اهمیتی در ساختن جامعه و موفقیت آن در تحقق آینده دارد، این نهاد اجتماعی که متشکل از پدر و مادر و فرزندان با انجام گفتگوهای زنده به تبادل نظر پرداخته و در حل مسایل و مشکلات هموارسازی و مسیر تحقق آینده به یکدیگر کمک می‌کنند و حتی با ارتباط بین خانواده‌ها (خویشاوندی - صله رحم) دامنه این گفتگوهای زنده بازتر شده و تبادل دانش و تجربیات با سرعت و ضریب اطمینان بیشتری صورت می‌گیرد.